تعریف ترجمه قرآن

سلماسی زاده

1-ترجمه قرآن بمعنی تبلیغ و بیان الفاظ آن

ترجمه قرآن در لغت به معنی تبلیغ الفاظ آن است و بیان احکام آن‏که در شرع جائز است بدلیل آنکه حضرت رسول اکرم قرآن را میخواند و دوستان و دشمنان ایشان آنرا میشنیدند و در سفر و حضور در مکه و مدینه بوسیله قرآن مردم را بسوی خدا فرا میخواند امت‏"نیز بعد از رسول از سنت او پیروی کردند و به تبلیغ قرآن پرداختند.و قرآن کریم‏ نیز متضمن این معنی است:

"ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب‏ اولئک یلعنهم الله و یلعنهم لا عنون‏"

الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فأولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم

و از حضرت رسول روایت شده است که فرموده است‏"

بلغوا عنی و لو آیه‏"

2-ترجمهء قرآن بمعنی تفسیر بلغت عربی

جواز اینعمل در قرآن است‏"

و انزلنأ الیک الذکر لتبین للناس ما انزل الیهم‏"

و حضرت رسول به بیان مشکلات قرآن در اول کار پرداخته و بحسن قیام و اقدام مبادرت‏ فرموده است که سنت نبوی مبنای اعتبار تفاسیر مأثور گردیده است علمأ دین از عهد رسول‏ تا امروز اعم از عامه و خاصه کتب متعدد تفسیر بزبان عربی نگاشته‏اند.

ترجمهء قرآن بمعنی تفسیر آن به لغت اجنبی

مراد از آن تفسیر قرآن بغیر زبان عربی مانند فارسی است.شکی نیست که حکم تفسیر قرآن بزبان فارسی مانند حکم تفسیر قرآن بزبان عربی است و هر دو تفسیرند و آنچه مفسر از کتاب خدا میفهمد و برای شنوندگان خود که زبان او را میدانند بیان میکند و حکم این امر مانند حکم ترجمه نمیباشد زیرا که هم در تفسیر قرآن بزبان عربی و هم غیر آن بیان مراد خداوند متعال بقدر استطاعت و توانائی مفسر است.و حکایت جمیع معانی و مقاصد قرآن‏ نیست.و منظور مفسر شاید روی یکی از احتمالات باشد.زیرا که در لغت معنی تفسیر ایضاح و بیان است.

تفسیر در اصطلاح علمی است که در آن از قرآن کریم و از دلالت آن به مراد خداوند متعال بقدر طاقت بشری بحث شود و این معنی بر یکی از جملهء معانی محتمله نیز محقق‏ میگردد.

و چون موضوع تفسیر قرآن بیان مراد خداوند بقدر طاقت بشری باشد تفاوتی نکند اگر بزبان عربی یا بزبان فارسی صورت پذیرد.چون هر دو مقدور نوع بشر و هر دو مورد نیاز انسان است.

تفسیر معنی آن محدود و قدرت مفسر نیز محدود میباشد برخی را عقیده بر این‏ است که تفسیر غیر زبان عربی حاجب نیست ولی اینها در اشتباه هستند زیرا که ترجمه تفسیر قرآن بزبان بیگانه در واقع نشر تعالیم اسلامی جایز است پس تالیف کتب مزبور نیز مجوز شرعی دارد.

و مسلمان عجمی با ترجمه تفسیر میتواند چنانکه باید و شاید از تعالیم عالیه قرآن بهره-ور شود.

جار الله زمخشری در مقام تفسیر آیهء شریفه‏"1

و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه‏ لیبین لهم‏"

بعد توضیح میدهد که اگر بگوئید حضرت رسول فقط به ملت عرب نازل شده‏ است و بر دیگران تکلیفی نیست بدانید که حضرت رسول بتمام نوع بشر مبعوث شده است. بدلیل آیهء شریفه

یا ایها لناس انی رسول الله الیکم جمیعا

بلکه بر ثقلین نازل شده‏ است و آنها بزبانهای مختلف صحبت میدارند و اگر برای عرب دلیل نباشد بر غیر آن دلیل‏ است و لازم نبود که قرآن به جمیع زبانها نازل شود برای اینکه ترجمه جانشین آن است و از تطویل کفایت میکند.پس یک لسان باقی میماند.و بهترین زبانها لسان قوم رسول خدا بود برای آنکه قوم عرب نزدیک‏تر به پیامبر بود و آنان تبلیغ پیامبر را میفهمیدند و آنرا نقل میکردند و منتشر مینمودند پس ترجمه برای بیان و تفهیم قرآن بنا گردید کما اینکه‏ امروزه اسلام در بین ملل مختلف و با زبانهای متفاوت تبلیغ میگردد.و قول زمخشری

"قامت‏ التراجم ببیانه و تفهیمه‏"

مراد تفاسیر قرآن بلغت اجنبی است و منظور تراجم نفس قرآن‏ نیست.برای اینکه معنی تفسیر بیان و ایضاح قرآن است.

ولی تراجم تصویر اصل هستند و وظیفه تبیین ندارد.

4-ترجمهء قرآن به معنی نقل به لغت دیگری

نقل قرآن از اصل متن عربی بزبان دیگری یعنی تغییر معانی و مقاصد آن بالفاظ غیر عربی بشرط ایفاء جمیع معانی و مقاصد آن است.

اگر در این ترجمه ترتیب الفاظ قرآن رعایت شود آنرا ترجمه یا لفظی یا مقید نامند و اگر مراتب مزبور ملحوظ نشود آنرا ترجمه تفسیری یا معنوی نامند.با توجه بشرائطی که برای‏ ترجمه تفسیر گفته شد وجه تمایز و اقسام مختلف آن بیان گردید فعلا ما را از بحث مجدد در اینجا بی‏نیاز میگرادند ولی باید دانست که ترجمه قرآن باین معنی برخلاف تفسیر بزبان‏ عربی و تفسیر بزبان عجمی و نیز مخالف ترجمه تفسیر عربی و ترجمه لفظی است اما شرعا ترجمه تفسیری یا معنوی قرآن مبتنی بر عدم امکان و حرمت است و منطقا محال است چون‏ مترجم قدرت بوفاء جمیع معانی و مقاصد منصوره در قرآن را در ترجمه نمیتواند دارا باشد پس این امر محال است اگر بفرض محال تصور شود که ترجمه قرآن مثل قرآن است آن نیز محال است زیرا که قرآن عرب را به تحدی دعوت کرد که اگر قادرند مثل یکی از سور قصار قرآن را بیاورند آنان از اینان بمثل عاجز ماندند در صورتیکه در آن زمان هنوز زبان عرب‏ آلوده نشده بود و بزرگان عرب که در حین فصاحت بزرگترین دشمن پیامبر اسلام بودند در حال حیات بودند1بدلیل این آیه‏"

و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من‏ مثله.

ترجمه لفظی

اگر مراد ترجمه لفظی قرآن باشد باید دو شرط مهم در آن مراعات گردد اول وجود مفردات در لغت ترجمه باندازه مفردات قرآن باشد.

دوم وجود ضمائر و روابط در لغت ترجمه باندازه ضمائر و روابط قرآن باشد.

بحدی که هر فردی از ترجمه در محل نظیر اصثل قرار گیرد بدیهی است که انجام این‏ شرائط بهیچوجه میسور نیست بلکه محال است بدلیل آنکه در چنین حالتی ترجمه باید مشتمل تمامی معانی و مقاصد اولی و ثانوی قرآن باشد برای اینکه مدلول خصائص عالی ثانوی‏ قرآن منوط به بلاغت و اعجاز آنست چنانچه قبلا بیان گردید و اینکار بحکم تحدی قرآن از هیچکس ساخته نیست و همچنین معنی و مقصد اول قرآن مبتنی بر هدایت آن است و در ترجمه امکان تحقیق چنین ارشاد که با اعجاز و بلاغت و فصاحت تؤام باشد وجود ندارد.